

قدرت فکر « ۲ »

نویسنده: دکتر ژوزف مورفی

ترجمه: هوشیار رزم آزما

فهرست مطالب

- پیشگفتار..... ۵
- مقدمه نویسنده..... ۷
- فصل اول - قدرت جادویی فکر ۱۵
- فصل دوم - چگونه ارتباطات روحی اسرار قرون و..... ۳۵
- فصل سوم - نیروی درون اعجازها می آفریند..... ۵۱
- فصل چهارم - نیروی باطن آینده را پیش بینی می کند؟..... ۶۷
- فصل پنجم - پاسخ های خود را در رویاهایمان جستجو کنیم ۸۳
- فصل ششم - ارتباط با نیروی روح و روان..... ۹۹
- فصل هفتم - با قدرت فکر شکست را به موفقیت تبدیل کنیم ۱۲۵
- فصل هشتم - منبع و کانون قدرت روح ۱۴۳
- فصل نهم - بُعد چهارم حیات ۱۵۵
- فصل دهم - رهاسازی نیروهای درونی..... ۱۷۱
- فصل یازدهم - جادوی ایمان ۱۸۳
- فصل دوازدهم - قدرت اراده در کشاکش زندگی..... ۱۹۵
- فصل سیزدهم - شگفتی های ضمیر و شعور..... ۲۰۹
- فصل چهاردهم - افکار سیاه را پراکنده کنیم ۲۲۷
- فصل پانزدهم - چگونه نیروهای درونی می توانند زندگی..... ۲۳۹

۲۵۳ فصل شانزدهم - اعتماد به نفس
۲۶۹ فصل هفدهم - خلاقیت و الهام
۲۸۷ فصل هجدهم - قلمرو بیکران فکر
۳۰۵ فصل نوزدهم - تفکر خلاق
۳۲۱ فصل بیستم - آدمی محصول تفکر خویش است
۳۵۲ کلام آخر

قدرت جادویی فکر

جادو هنری است که با بهره‌گیری از ترفندها و شگردهای خاص آرزوهای انسان را برآورده می‌کند و برای آن صفاتی هم قائل شده‌اند: مثلاً می‌گویند جادوی زیبایی، جادوی موسیقی و جادوی کلام و غیره... جادو همان نیروی است که می‌تواند ما را به عالم اوهام و خیالات ببرد و در آن احوال شعبده‌باز با دستی که به کلاهی می‌کشد خرگوشی از آن بیرون بیاورد و یا کسی را غیب کند.

نیروی نامرئی درون

در نظر شماری از مردم، جادو نتیجه و فراگرد نیروی ناشناخته‌هاست و به‌رحال مفهومی نسبی است که اگر فرآیندهای آن برای شخص شناخته شود فاقد ابهام می‌گردد. مثالی می‌زنیم: در همین عصر و زمانه، در گوشه و کنار گیتی هنوز هم می‌توان مردمانی را

سقراط در این باره گفته جالبی دارد. او می‌گوید که شما با بلند کردن انگشت خود در وضعیت دورترین ستاره‌ها نیز ممکن است تأثیر بگذارید. می‌توان این نکته را دریافت که ما به قدر کافی با جادوی وجود خویش هم‌نوا و هم‌ساز هستیم هرچند در دنیای روزمره نامی بر آن ننهاده باشیم.

با نیروی جادویی خود هماهنگ شویم

اگر بتوان با جادوی بیکرانی که در هستی خویش داریم رابطه برقرار کنیم و هم‌خوان و هماهنگ شویم تحولاتی شگرف در زندگی خود به وجود خواهیم آورد که خود از آن در شگفت خواهیم شد. من به هر جا که سفر می‌کنم: اروپا، آسیا و آفریقا و یا هر جای دیگر با مردمانی دیدار می‌کنم که با شور و شوق به دیدنم می‌آیند و از تجربیات خویش در ارتباط با نیروی جادویی درون خویش داستان‌ها می‌گویند: اینکه چگونه توانسته‌اند با بهره‌گیری از این قدرت نهانی بر مشکلاتی که داشته‌اند غلبه کنند و به آرزوهای خود برسند و زندگی شاد و آرامی داشته باشند. با خوشحالی اظهار می‌دارند که دوستان قدیمی‌شان هم پس از آنکه متوجه تغییر و دگرگونی در ایشان می‌شوند ابراز شگفتی می‌کنند و با تعجب می‌گویند «فلانی!... تو را چه شده؟... مثل اینکه اتفاقی افتاده؟... به نظر می‌رسد همان آدم قبلی نیستی... کاملاً عوض شده‌ای!» «فکر کردم تو را اشتباه گرفته‌ام!» با اجرای تمرین‌هایی که در این کتاب خواهید خواند قادر به

یافت که به صورت بدوی زندگی می‌کنند و هواپیما، رادیو، تلویزیون و دستگاه ضبط صوت ندیده‌اند و آنها را اشیاء و وسایلی جادویی می‌پندارند. همان‌گونه که در ۱۵۰ یا ۲۰۰ سال پیش نیز پیشینیان و مردم آن عهد و دوران چنین می‌انگاشتند.

برای ما اکنون روشن شده است که فضانوردان چگونه راهی کرات دور می‌شوند و به این علت اقدام و عمل آنان را جادویی نمی‌خوانیم. این را هم می‌دانیم که تمام نیروها به ذات خود ناشناخته هستند و هر چیز برآمده از جوهر و روح خود است.

روحي که قادر به رؤیتش نیستیم ولی آن را حس می‌کنیم مثل روح شادی و طرب و نشاط، روح شور و شعف، روح موسیقی، روح سخن، کلام، نفس و گفتار، روح جمال، و حقیقت و زیبایی که قلب و جان را از خود سرشار می‌کند.

هیچ‌کس خدا را ندیده ولی قدرت و حضور «او» را در تمام مراحل زندگی لمس کرده است. ما به درستی، چنانکه باید و شاید هنوز هم از کم و کیف نیروی برق آگاه نیستیم ولی با کاربردهای آن آشنا هستیم، گرچه نیروی درون آن هم هنوز برایمان ناشناخته است؛ همان‌گونه که از قدرت جادویی وجود خویش بی‌خبریم و یا به آن توجهی نداریم. مثالی می‌زنیم. هم‌اکنون اگر اراده کنیم انگشت خود را تکان می‌دهیم: یعنی نیروی جادویی درون، خواسته ما را اجابت کرده و فرمانی را که مغز صادر نموده اجرا کرده است. عملی که چندان برای ما شناخته نیست زیرا به درستی نمی‌دانیم انگشتمان چگونه این فرمان را انجام داده است.